



وضعیت محور مقاومت پس از شهادت حاج قاسم در گفت‌وگو با حسین اکبری، معاون دبیر کل مجمع بیداری اسلامی:

اوضاع به مراتب برای امریکا بدتر شد

سه سال پس از شهادت سردار رشید اسلام، حاج قاسم سلیمانی، محور مقاومت پویاتر از همیشه، نه تنها تضعیف نشده، بلکه این جبهه مقابل است که عملاتوانسته هیچ یک از اهداف خود را محقق کند. این واقعیتی است که حسین اکبری، معاون دبیر کل مجمع بیداری اسلامی نیز به آن اذعان دارد. در گفت‌وگو با این کارشناس منطقه، درباره نقش حاج قاسم در شکل‌گیری و تثبیت محور مقاومت، وضعیت امروز محور مقاومت بویژه در عراق و سوریه پرسیدیم. گفت‌وگو با او را می‌خوانید.

● امروز سه سال پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی، محور مقاومت چه وضعیتی دارد؟

بررسی شرایط مقاومت بعد از شهادت حاج قاسم، سؤال مهمی است که نه فقط امروز بسیاری در داخل مطرح می‌کنند، بلکه حتی در حوزه‌های سیاسی خارج از کشور هم این مسأله مطرح می‌شود که واقعا پس از شهادت ایشان، منطقه و مشخصاً محور مقاومت چه وضعیتی دارد. آنچه می‌توانیم بگوییم این واقعیت است که امروز محور مقاومت در یک شرایط کاملاً ثبات قرار دارد. زیرا یکی از کارهای خوبی که حاج قاسم در زمان حیات خود انجام داد، این بود که مقاومت و محور مقاومت را در همه جا تثبیت کرد. از این رو امروز دیگر هیچ جایی نیست که مقاومت بلا تکلیف یا احیاناً میان راه باشد، بلکه اوضاع و شرایط، هم در داخل محور و جبهه مقاومت و بیرون از مقاومت کاملاً تثبیت شده است.

● منظور شما از تثبیت اوضاع داخلی محور مقاومت چیست؟

وقتی از تثبیت داخلی محور مقاومت صحبت می‌شود، به این معنی است که ما امروز دیگر جنگ سوریه را پشت سر گذاشته‌ایم، ضمن اینکه جنگ عراق را نیز پشت سر گذاشته‌ایم. در عین حال، در فلسطین نیز شاهد اوضاع پسمامانی هستیم. از این قرار می‌توان گفت یکی از

ویژگی‌ها و کارهای حاج قاسم این بود که توانست اوضاع محور مقاومت را تثبیت کند. یکی دیگر از کارهای ایشان تربیت کارشناسان خیره در حوزه مقاومت بود. ما امروز کارشناسانی را داریم که تقریباً ۲۰ سال در این حوزه‌ها فعال بودند و کار را یاد گرفتند و این چهره‌ها بعد از حاج قاسم، مشی و راه ایشان را دنبال کردند. بنابراین، در کنار تثبیت وضعیت محور مقاومت، تربیت کارشناسان نیز از سرمایه‌های عمر با برکت حاج قاسم بود که توانست بعد از ایشان هم آثار خود را بجای بگذارد.

● امریکایی‌ها به عنوان طراحان و عاملان ترور شهید سلیمانی به دنبال چه معادله‌ای بودند؟

برای اینکه دریا بیم‌پس از شهادت حاج‌قاسم اوضاع به چه صورت پیش رفت، قاعدتاً باید صحنه را تحلیل کنیم. می‌دانید که امریکایی‌ها، به غلط، تصور می‌کردند با شهادت حاج‌قاسم اوضاع بهم می‌ریزد و همه معادلات به نفع آنان تغییر می‌کند.

● البته خودشان تمایل چندانی ندارند که زیاد به این مسأله اقرار کنند.

زیرا اگر این را بیان کنند، مورد مذمت قرار خواهند گرفت. اما آنان به دلیل داشتن روحیه سلطه‌گری و خوی شیطانی، همواره سعی می‌کنند به نوعی افکار عمومی دنیا را فریب دهند تا این کارهای خلاف خود را توجیه کرده و این شکست‌ها را نیز به نوعی در ذهن دیگران پیروزی

که اساساً نیازی به حضور در منطقه کرانه باختری یا مناطق ۱۹۴۸ احساس نمی‌کرد. اما امروز اسرائیلی‌ها و حتی بنی‌گانتز اعتراف می‌کنند که ما نمی‌توانیم از ارتش خود را برای ایجاد امنیت در کرانه باختری مستقر کردیم، در حالی است که با حضور این نیمی از ارتش رژیم صهیونیستی، حداقل روزانه ۱۰ عملیات در این حوزه انجام می‌شود. بنابراین ملت فلسطین، یعنی نه تنها غزه، بلکه کرانه باختری و منطقه ۱۹۴۸ و حتی فلسطینی‌هایی که در داخل مناطق اشغالی هستند، امیدوار و مطمئن شدند که با تکیه بر توانایی‌های خودشان، قابلیت‌ها و فناوری‌هایی که در اختیار دارند، براحتی می‌توانند در صحنه پیروز شوند و خیلی هم احساس نیاز به کسی نمی‌کنند. این اتفاق برای اولین بار است که در تاریخ فلسطین اشغالی رخ می‌دهد.

● مادر یمن هم پس از ترور شهید سلیمانی شاهد تحولی که به نفع سعودی باشد، نبودیم، یعنی در آن منطقه هم توانستند تغییری به نفع خود ایجاد کنند.

اگر به شرایط یمن نگاه کنید، می‌بینید با اینکه در گذشته به لحاظ نظامی جزو ضعیف‌ترین کشورهای عربی بودند، اما اکنون به قوی‌ترین کشور عربی به لحاظ پهباد و موشک و حتی در حوزه رزم زمینی تبدیل شده‌اند. امروز یمنی‌ها با تهدید نظامی خود، سعودی‌ها را وادار به مذاکره می‌کنند، نه با خواهش و تمنا و حتی سعودی‌ها را تهدید می‌کنند که اگر شما شرایط را نپذیرید و آتش بس نشود، ما مجبوریم عملیات را ادامه دهیم و می‌بینیم که سعودی‌ها ناچار هستند آن را بپذیرند. در لبنان هم وضعیت همین‌طور است. در لبنان شما می‌بینید که آقای سیدحسن نصرالله به رژیم صهیونیستی اخطار می‌دهد و در بحث تعیین مرزها، شرط تعیین می‌کند که اگر این کارها نشود، در فلان تاریخ به اسرائیل حمله می‌کنند. این عبارت حزب‌الله در طول تاریخ حیات رژیم صهیونیستی سابقه نداشته که کشوری

جلوه بدهند.

● در سوریه امروز چه وضعیتی داریم و آیا پس از شهادت شهید سلیمانی، ما شاهد تضعیف محور مقاومت در این کشور بودیم؟

امروز نه تنها دولت سوریه کاملاً تثبیت شده است، بلکه همه کشورهای که دیروز با سوریه می‌جنگیدند، امروز دنبال صلح با این کشور هستند، زیرا احساس می‌کنند که حکومت سوریه، بویژه بعد از انتخابات، ماندگارتر شده است و با اقتداری که امروز این کشور دارد، دیگر نمی‌توانند سوریه را از پای در بیاورند. برای همین می‌بینیم که حتی ترکیه هم دارد تلاش می‌کند به هر قیمتی شده با سوریه کنار بیاید. یا اینکه دیدیم آقای بشار اسد شروطی را برای ترکیه مطرح کردند و ترکیه هم دارد به این شروط عمل می‌کند، این امر به این معنی است که نه تنها سوریه عجله‌ای برای این قضیه ندارد، بلکه به دلیل ثبات و اقتداری که امروز دارد، حتی برای دیگرانی که می‌خواهند با او مذاکره کنند شرط می‌گذارد و آنان هم باید این شروط را رعایت کنند.

● مسأله فلسطین را بعد از شهادت حاج قاسم چطور می‌بینید؟

روزی رژیم صهیونیستی تلاش می‌کرد با استفاده از تشکیلات خودگردان، حرکت مقاومت را در منطقه کرانه باختری مهار و خنثی کند، تا جایی

به همراه دیگر شرایط، یعنی درگیری رژیم صهیونیستی در داخل کرانه باختری، داخل غزه هم در مناطق ۱۹۴۸ قدس، به همراه توانمندی‌های جهاد و حماس، توانسته به نوعی رژیم صهیونیستی را در داخل خودش درگیر کند، در حالی که این رژیم دنبال این بود که فرایند عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی را فعال کند. اما این رژیم امروز دیگر نمی‌تواند از اهداف کلان خود صحبت بکند و این، نتیجه مقاومت است.

● بنابراین، شرایط محور مقاومت در هر نقطه‌ای، نشانه تداوم راه شهید سلیمانی و نقش بر آب شدن طرح‌های آنان است.

افق دیدی که شهید سلیمانی داشت و سرمایه‌گذاری‌هایی که آن شهید انجام داد، سبب شد که مقاومت به گونه‌ای تثبیت شود که نه فقط امروز، بلکه فرادها نیز نتایج آن را خواهیم دید. بنابراین همان‌طور که رهبر انقلاب در یک تعبیر معنوی فرمودند که خطر شهید سلیمانی برای دشمن از خود سردار سلیمانی بیشتر است، امروز ما داریم ابعاد مختلف برکت خون شهید سلیمانی را می‌بینیم که چگونه در کشورهای مقاومت نتیجه می‌دهد و به نوعی همه بخش‌های مقاومت به شهید سلیمانی به عنوان اسطوره ماندگار برای همیشه و الگو نگاه کرده و براساس سیره و روش او عمل می‌کنند. پیروزی‌هایی که ما امروز در مقاومت می‌بینیم، نتیجه و ثمره این الگو و خون این شهید است. در یک جمله خلاصه، اگر امروز از امریکایی‌ها سؤال کنید که در سه دهه گذشته، نقطه ضعف حاج قاسم و جریان مقاومت چه بود، قطعاً جمله‌ای ندارند به شما بگویند. یا اگر از آنان پرسید که در کدام صحنه پیروز شدید، آیا در افغانستان و عراق پیروز شدید، پاسخی نخواهند داشت. از آن طرف هم اگر سؤال کنید که حاج قاسم در کدام صحنه شکست خورد و نتوانست به اهداف خود برسد، قطعاً خواهند گفت که به همه اهداف خود رسید و شکستی در کار نبود.

● برخی کارشناسان غربی می‌گویند ترور حاج قاسم، مسأله‌ای بود که رژیم صهیونیستی به عنوان مقدمه‌ای برای توافق ابراهیم در منطقه از امریکا درخواست کرده بود. امروز، این توافق به عنوان نقطه مقابل جریان مقاومت، در چه وضعیتی است و آیا توانسته به اهداف خود برسد؟

توافق آبراهام یا ابراهیم، یک توطنه مدرن رژیم صهیونیستی است. امریکا و رژیم صهیونیستی همراه برخی کشورهای منطقه تلاش می‌کنند این توافق را به عنوان یک مسأله مشترک میان مسیحی‌ها، یهودی‌ها و مسلمانان مطرح کنند و پرچمدار و تئوریسین آن هم رژیم صهیونیستی باشد. اما مسأله اینجاست، کشورهایی که وارد این توافق شدند، یا بی‌ملت هستند یا کم‌ملت، یا اینکه اساساً دیکتاتوری بر این کشورها حاکم است و ملت‌های آنها این توافق را قبول ندارند. به عنوان مثال کشور مراکش وارد توافق آبراهام شد، اما دیدیم که بازیکنان تیم فوتبال این کشور بودند که بیش از هر کشور دیگری در جام جهانی قطر، علیه اسرائیل فعالیت کردند. این امر نشان می‌دهد پیوستن این کشور به توافق آبراهام یک تصمیم حکومتی و خلاف اراده ملت آن بوده است؛ همین وضعیت را در امارات و بحرین هم شاهد هستیم. در بحرین حداقل ۹۰ درصد مردم با این طرح مخالف هستند. یا سعودی‌ها می‌ترسند وارد این توافق شوند، زیرا

یکی از کارهای خوبی که حاج قاسم در زمان حیات خود انجام داد، این بود که مقاومت و محور مقاومت را در همه جا تثبیت کرد. از این رو امروز دیگر هیچ جایی نیست که مقاومت بلا تکلیف یا احیاناً میان راه باشد، بلکه اوضاع و شرایط، هم در داخل محور و جبهه مقاومت و بیرون از مقاومت کاملاً تثبیت شده است

